

# *God's Chosen Place of Worship*

مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش

این پیغام غروب شنبه ۲۰ فوریه ۱۹۶۵ در دبیرستان پارک ویو جونینور (Park View Junior) در جفرسون ویل ایندیانا، ایالات متحده آمریکا، توسط برادر ویلیام ماریون برانهام، موعظه شده و بر روی نوار شماره ۰۲۲۰-۶۵ به مدت یک ساعت و بیست و پنج دقیقه ضبط و تمام تلاش برای پیاده سازی پیغام شفاهی از روی نوار مغناطیسی صورت گرفته است. این پیام توسط PEYGHAM چاپ و منتشر شده است.

این موعظه توسط وب سایت [www.peygham.net](http://www.peygham.net) بصورت رایگان در اختیار شما گذارده شده، پیغام یک وب سایت غیرفرقه‌ای بوده و به مرجعیت نهایی کلام خدا و سر بودن خداوندان عیسای مسیح ایمان دارد. این پیغام توسط نبی خدا ویلیام برانهام که بعنوان یک مبشر بین‌المللی شناخته می‌شود به زبان انگلیسی موعظه شده، و توسط گروهی از مقدّسین که با این وب سایت همکاری می‌کنند به زبان فارسی ترجمه شده است.

شما می‌توانید از طریق پست الکترونیکی [info@peygham.net](mailto:info@peygham.net) با ما در تماس باشید و جزوات و مقالات مربوط به پیغام زمان آخر را از این طریق دریافت نمایید. هرگونه چاپ و استفاده از مطالب این کتابچه منوط به دریافت مجوز از مرکز پرشین میسیون می‌باشد.

۱. همین‌طور که سرپا ایستاده‌ایم، چند لحظه سرهای خود را در حضور خداوند خم می‌کنیم. و حال با این ایمان که قلب‌های ما نیز در حضور خدا خم گشته است، تمایل دارم بدانم چند نفر می‌خواهند امشب و در دعا چیزی خاص را به یاد بیاورند؟ می‌توانید دستهای خود را بلند کنید و بگویید: "خداوند! آنچه را که بدنبال آن هستم امشب به من عطا کن." خدا به شما برکت بدهد.

۲. پدر آسمانی ما! اینک ما با فروتنی و با ایمان به تخت رحمت تو نزدیک می‌شویم. به فراسوها قدم می‌گذاریم، جایی که خدا و فرشتگان، و کروییان و تمام لشگر آسمانی در آنجا هستند. او گفت: "حتی یک گنجشک بدون اراده و آگاهی تو از آسمان به زمین نمی‌افتد." پس چقدر بیشتر تو می‌دانی، زمانی که صدها نفر سرهای خود را در حضور تو خم کرده‌اند و تو را برای این درخواست‌های ویژه می‌خوانند. پدر! امشب به این دنیای نیازمند نگاه کن. زیرا که ما مردمان نیازمند هستیم.

۳. و من دعا می‌کنم، چون خداوند! ما امشب اینجا جمع شده‌ایم تا نزد خداوندی که پاسخگوی دعاهاست، یعنی خداوند زنده، ایمان خودمان را به تو ابراز کنیم. ما از میان دنیای نامختون بیرون آمده‌ایم، دنیایی که قلب و گوش نامختون دارد. بیرون آمدیم تا یک زندگی معجزا داشته باشیم؛ تا در اعتراف ایمانمان به تو زیست کنیم. امشب دست‌های خود را برافراشته و اعلام می‌کنیم که "نیازمندیم" ای خداوند! به تک تک درخواست‌های آنان پاسخ بده.

۴. و بعد خداوند! دعا می‌کنیم تا در کلام خود ما را ملاقات کنی. ما برای اصلاح شدن و برای فهمیدن، اینجا جمع شده‌ایم؛ و درک اینکه چگونه باید در این زمان زیست کنیم. در انتظار چه چیزی باشیم و چه کاری را انجام دهیم. زیرا آگاه هستیم که

بر طبق تمام نشانه‌هایی که انبیا پیشگویی کردند، آمدن خداوند نزدیک می‌شود. خداوند! به آن زمان نزدیک می‌شویم، زمانی که نجات کامل به فرزندان تو داده می‌شود. خداوند! عطا کن تا همه‌ی ما آنجا باشیم. حتی یک نفر هم باقی نماند. این هدف ما از اینجا بودن است. ای خداوند! تو را دوست داریم و تلاش می‌کنیم که برای آن ساعت مهیا باشیم.

۵. ای خداوند! باز هم از تو می‌خواهیم که امشب با ما سخن بگویی و بیماران را شفا بدهی. تمام بیماران را که در این ساختمان هستند. دعا می‌کنیم آنها را شفا بدهی و بطور خاص نیازهای روحانی آنها را ببینی. دعا می‌کنیم تا هر جان گم‌گشته‌ای را نجات دهی. هر ایماندار را از روح القدس پر کن و قوت و قدرت خود را در ایمانداران تازه کن. پدر! اینها را به ما عطا کن. بسیار می‌طلبیم چون تو گفتی که بطلبیم. "به فراوانی بطلبید. چیزهای عظیم بطلبید. بسیار بطلبید." تا امشب شادی ما تکمیل گردد. اینها را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین!

۶. امشب این افتخار بزرگ نصیب من شده، تا یک‌بار دیگر در این جایگاه و این دبیرستان با این مردم خوب روبرو شوم که گرد هم آمده‌اند تا انجیل را بشنوند. از خدا می‌خواهم با رحمت خویش به من کمک کند تا حقیقت را آن‌گونه که هست برای شما بازگو کنم. او همچنان می‌تواند به دهان یک انسان نزدیک شود. همان‌گونه که به دهان شیر نزدیک می‌شود. اگر من تا بحال خواسته‌ام چیزی را بگویم که اشتباه است و برخلاف اراده‌ی او، صادقانه دعا می‌کنم که خدا دهان من را ببندد تا آن را بازگو نکنم. چون خودم حقیقتاً می‌خواهم که در ملکوت حاضر باشم. در غیر این صورت من یک رهبر کاذب بوده و در آنجا نخواهم بود و کسی نخواهم بود که کاری را به اشتباه انجام

داده است. اگر این‌گونه باشم، به دلیل آن است که تفاوت‌ها را نمی‌دانم. خدا به شما برکت بدهد.

۷. اگر در اراده‌ی خدا باشد، قصد دارم فردا در مورد موضوع ازدواج و طلاق صحبت کنم و مطمئن هستیم که شما خواهید آمد و قلم و کاغذ خود را به همراه خواهید آورد. خیلی طول نمی‌دهیم. اما می‌خواهم که... که هدف من از بازگشت به اینجا همین بود. اول در ایندیانا<sup>۱</sup> من به شما قول آن را دادم و فردا صبح آن را انجام خواهم داد. اگر اراده‌ی خدا باشد و خدا به ما کمک کند تا حقیقت را بشناسیم، فقط بدانیم که حقیقت چیست و بعد ما می‌توانیم در نور حقیقت گام برداریم. ما...

۸. می‌دانید، یک دوست سیاه پوست داشتم که به من می‌گفت: "برادر بیلی، نمی‌خواهم هیچ مشکلی در رودخانه داشته باشم." او می‌گفت: "می‌خواهم بلیطم دستم باشد و زمانی که سوت به صدا در می‌آید، هیچ مشکلی نداشته باشم. مدت‌ها پیش از خدا خواسته‌ام اگر ایرادی در من وجود دارد، اجازه بدهد تا همین الآن آن را برطرف کنم. چون زمانی که کشتی به آن سمت حرکت کند، دیگر طوفان و تاریکی خواهد بود." می‌گفت: "نمی‌خواهم هیچ سدّ و مانعی داشته باشم. می‌خواهم الآن آن را برطرف کنم." این چیزی است که ما الآن بخاطرش اینجا هستیم، برطرف کردن موانع. بعد ما می‌توانیم روی کشتی گام برداریم.

۹. امشب خیلی طولانی با شما صحبت نخواهم کرد، چون فردا دو جلسه خواهیم داشت و بعد من فوراً برای جلساتی به جاهای دیگر خواهم رفت.

۱۰. اما الآن قصد دارم که سه آیه‌ی اول از باب شانزدهم کتاب تثنیه را بخوانم. تثنیه ۱۶ : ۱-۳: "ماه ایب را نگاهدار و فصیح را به جهت یهوه، خدایت، بجا آور، زیرا که در ماه ایب یهوه، خدایت، تو را از مصر در شب بیرون آورد. پس فصیح را از رمه و گله برای یهوه، خدایت ذبح کن، در مکانی که خداوند برگزید، تا نام خود را در آن ساکن سازد."

۱۱. موضوع امشب من «مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش» هست. اگر توجه کرده باشید، ماه «ا - ب - ی - ب» که در آنجا است به معنی «اپریل»<sup>۲</sup> می‌باشد. ماه «اپریل» زمانی است که آنها بیرون آورده شدند.

عجیب این است که ما امشب، بعنوان پرستندگان خدا، در این دورانی که در آن زندگی می‌کنیم، عقاید مختلفی را در مردم پیدا می‌کنیم. تا زمانی که عقاید مختلف در امور وجود دارد، سؤال‌های متفاوتی نیز پرسیده می‌شود. تنها یک پاسخ درست و حقیقی برای تمامی پرسش‌های مطرح شده وجود دارد.

اگر من بیرسم: "این چیست؟"

می‌گویید: "یک میز."

"برای چیست؟" می‌بینید؟

۱۲. حال، شاید کسی بگوید: "این یک میز نیست، یک تخته است." خوب، این یک تخته است، اما در عین حال یک میز است. می‌بینید، باید پاسخ درست به سؤال داده شود.

<sup>۲</sup> چهارمین ماه میلادی April

و اگر من راجع به هر چیز سؤالی بپرسم، باید یک پاسخ صحیح برای آن وجود داشته باشد. شاید چیزی نزدیک به آن وجود داشته باشد، اما باید به هر سؤالی، یک پاسخ درست و صحیح داده شود. پس بنابراین، هر سؤالی که در زندگی ما بوجود می‌آید باید پاسخی درست و صحیح به آن داده شود.

۱۳. و امروزه می‌شنویم که گفته می‌شود، بسیاری از مردم ما در دنیا...

بعنوان یک میسیونر<sup>۳</sup> که سفرهای زیادی را به دور دنیا انجام داده است، با ادیان زیادی در ارتباط بوده‌ام. بعد در همین ایالات متّحده خودمان و دیگر کشورهای خارجی، با تمام کلیساها جلساتی داشته‌ام، که مثل تمام کلیساهای فرقه‌ای، با کلیسای کاتولیک رومی آغاز کرده‌اند و بعد به یونانی و آیین‌های متفاوت و بعد... به تمام ادوار فرقه‌ای و برآمدن نهصد و یا بیشتر کلیساهای فرقه‌ای سقوط کرده‌اند. هر کدام تفکرات و عقاید مخصوص به خودشان را دارند و من نمی‌توانم آنها را مقصّر بدانم. هر کدام ادّعا می‌کنند که در حقیقت هستند و حقیقت را دارند؛ مردمی که به آن کلیساها تعلق دارند باید به آن ایمان داشته باشند؛ چون سرنوشت خود، سرنوشت ابدی خود را بر مبنای آن تعالیم استوار کرده‌اند. هر کدام از آنها با دیگری متفاوت است و به همین دلیل نهصد و اندی سؤال متفاوت را ایجاد می‌کند.

از این‌رو، با وجود بیش از نهصد پرسش متفاوت، باید تنها یک پاسخ صحیح وجود داشته باشد. آرزوی من برای امشب ما این است که، در تلاش برای رسیدن به ملکوت باشیم و خداوندمان عیسی را ملاقات کنیم و تمایل دارم کتاب مقدّس را تفتیش کنیم تا پاسخ آن را بیابیم.

۱۴. حال اگر سؤال ما کتاب مقدّسی است، پس باید یک جواب کتاب مقدّسی هم داشته باشد. این پاسخ نباید حاصل تفکرات یک گروه از مردم، یا معلّمین و یا فرقه‌های متفاوت باشد. بلکه باید مستقیماً از کتاب مقدّس باشد، جایی که محلّ ملاقات و پرستش خداست.

۱۵. حال، ما اینجا و در کتاب تثنیه می‌بینیم که در ابتدا موسی کلام را بازخوانی می‌کند. او چیزهایی به آنان گفت که او چگونه آنها را با بازوی قوی از مصر بیرون آورده و آنها را بنا نهاده است.

آنان «قوم خدا» خوانده می‌شدند، تا زمانی که از مصر بیرون آمدند. پس از آن آنها «کلیسای خدا» خطاب می‌شدند. چون یک کلیسا یک اجتماع است، یا در حقیقت، کلیسا به معنای «فراخوانده شدگان» می‌باشد. آنانی که فراخوانده شده‌اند؛ و آنان به از مصر بیرون آمدند به منظور اینکه کلیسا باشند.

۱۶. قبل از اینکه آنها هیکل را بنا کنند و یا هر کار دیگری را انجام دهند، خدا به آنان گفت: "مکان پرستش خود را برخوادم گزید و نام خود را بر آن قرار خواهم داد." و آن تنها جایی بود که خدا از طریق انتخاب خویش، افراد را ملاقات می‌کرد. و نام خود را در مکانی که برگزید قرار داد. آیه‌ی دوّم به ما می‌گوید که "او نام خود را بر مکانی که برای مردم بجهت پرستش او برگزیده، قرار می‌دهد." و حال مسئله این است که ما می‌خواهیم دریابیم، آن مکان کجاست.

۱۷. با وجود بیش از نهصد تفکر متفاوت، صرفنظر از مذاهب و ادیان بت پرست و تنها از طریق صحبت در مورد مذهب مسیحی. زیرا یک احساسی برای بت پرستان دارم، یا مطمئناً برای صحبت با آنان نخواهم رفت. آنها در اشتباه هستند. مسیحیت تنها



مذهبی است که حقیقت است. این را به دلیل اینکه یک مسیحی هستم نمی‌گویم. چراکه ایمان دارم حقیقت است. این تنها مذهبی است که درست است.

۱۸. من در مقبره‌ای بوده‌ام که هر چهار ساعت یک‌بار یک اسب در آنجا تعویض می‌شود. جایی که محمّد، یک رهبر و یک روحانی بزرگ، یک نبی فرض می‌شود، و من شکی در آنچه که او بود ندارم. درست بعد از برادران مکابی.<sup>۴</sup> اما زمانی که آنها... او مرد. او ادّعا کرد که دوباره قیام خواهد نمود و کل دنیا را تسخیر خواهد کرد. حال، حدوداً هر چهار ساعت یک‌بار آنها نگهبانان را عوض می‌کنند و یک اسب سفید را در مقبره‌ی او نگه می‌دارند. آنان دو هزار سال است که منتظر قیام مجدد او و فتح دنیا می‌باشند.

۱۹. به بودا نگاه می‌کنیم، خدای ژاپن. او قرن‌ها پیش، حدود دوهزار و سیصد سال پیش زندگی کرده است. او یک فیلسوف بود، چیزی شبیه کنفوسیوس<sup>۵</sup> و سایرین.

اما تمام این بنیانگذاران... همه‌ی آنها با فلسفه‌های خویش مردند و در قبرها دفن شدند. اما مسیحیت که توسط عیسی مسیح بنیان گذارده شد با یک قبر خالی مواجه است. او تنها مردی است که تاکنون روی زمین ایستاده، زندگی کرده و گفته است: "من قدرت دارم تا زندگی خود را بدهم و دوباره آن را برخیزانم." او این کار را انجام داد و امروز زنده است.

و ما می‌دانیم او زنده است چراکه او با ماست و این را با نشانه‌ها و آیات فیزیکی که وعده داده است آنها را انجام می‌دهد، اثبات نموده است. به همان صورت که با

ستون آتش بنی اسرائیل را همراهی می‌نمود، امروز با ماست. حتی تصویر آن نیز گرفته شده است. آیات و نشانه‌هایی را که برای این روز وعده داده بود، ارائه می‌دهد و می‌بینیم کلامی که برای این زمان وعده داده بود، آشکار می‌شود. از این رو، بقیه‌ی دنیای بت پرست در گمراهی است. این مسیحیت است که حقیقت است.

۲۰. حال، حدود نهمصد پرسش در مورد اینکه خدا در کجا با قوم خویش ملاقات می‌کند وجود دارد. «او با متدیست‌ها ملاقات می‌کند، یا با باپتیست‌ها، و یا در اینجا و آنجا و یا دیگران؟» در اینجا پرسشی هست که باید هرکس با ترس و لرز در نجات خویش آن را کنکاش کند.

اما امشب تلاش می‌کنم تا از طریق کنکاش کلام، جایی را که خدا با قوم خویش ملاقات می‌کند و در آنجا پرستیده می‌شود را پیدا کرده و آن را اثبات کنیم؛ و اگر این‌گونه باشد، آنجا تنها جایی است که او همیشه قوم خویش را ملاقات خواهد نمود.

۲۱. ما این متن را از کتاب تثنیه می‌گیریم. یک لغت یونانی که دارای معنی مرکب است و به معنای «دو شریعت» می‌باشد. لغت یونانی دئوترونومی<sup>۶</sup> یعنی «دو شریعت یا قانون متفاوت».

این درست همان چیزی است که خدا دارد، دو شریعت متفاوت. یکی از آنها شریعت مرگ و دیگری شریعت حیات. خدا دو قانون دارد. پیروی و خدمت نمودن به او حیات، و رد نمودن او موت است. در خداوند دو شریعت وجود دارد.

۲۲. یکی از آنها بر روی کوه سینا شناخته شد. خدا شریعت را به موسی و اسرائیل داد. آن شریعت کمکی به آنها نمی‌کرد، بلکه نشان دهنده‌ی آن بود که آنها گناهکار هستند. تا آن زمان، یعنی داشتن شریعت، آنها نمی‌دانستند گناه چیست. هیچ شریعتی نمی‌تواند بدون کیفر باشد. یک قانون یا شریعت بدون مجازات و کیفر، شریعت نیست. بنابراین «تمرد از شریعت گناه، و مزد گناه موت است.» پس تا زمانی که خدا برای آنها شریعتی مقرر نکرده بود، گناهی بر آنان محسوب نبود.

اگر در اینجا قانونی نباشد که به شما بگوید نمی‌توانید سریع‌تر از بیست مایل<sup>۷</sup> در ساعت رانندگی کنید، آن وقت شما می‌توانید سریع‌تر از بیست مایل در ساعت برانید. اما اگر قانونی باشد که بگوید نمی‌توانید این کار را بکنید، آنگاه پشت این قانون یک مجازات قرار دارد.

۲۳. حال مرگ، شریعت مرگ، بر کوه سینا داده شده بود که می‌گفت انسان گناهکار است و با تمرد از شریعت خدا می‌مرد. اما در شریعت، هیچ نجاتی نیست. شریعت... تنها مثل پلیسی بود که شما را به زندان می‌انداخت. اما چیزی برای بیرون آوردن شما از آن زندان در اختیار نداشت.

اما هنگامی که او شریعت دیگر را داد، بر روی تپه‌ی جلجتا بود. جایی که گناه بر عیسی مسیح محسوب گردید و کیفر و جزا در آنجا پرداخت گردید. و نه با... بدون شریعت «بلکه از راه فیض نجات یافته‌اید.» محض فیض خدا. برای تقدیر از پیش تعیین شده، جهت پیش آگاهی خدا، از وجود شما.

---

<sup>۷</sup> هر مایل برابر ۱.۶ کیلومتر است

۲۴. حال ما این دو شریعت را می‌شناسیم. تشبیه، از دو شریعت صحبت می‌کند. دو شریعت وجود داشت. یکی شریعت مرگ و دیگری شریعت حیات بود.

۲۵. همچنین دو عهد به قوم داده شده بود که ما فردا صبح در این مورد صحبت خواهیم کرد. یکی از آنها به آدم داده شده بود و مشروط بود به اینکه «اگر این کار را بکنی و این کار را نکنی» آن قانون شکسته شده بود. حوا در باغ عدن آن را شکسته بود.

پس خدا دوّمین عهد را برقرار ساخت و آن را به ابراهیم داد. آن عهد یک عهد نامشروط بود. «کاری که انجام می‌دهی و یا کاری که انجام خواهی داد نیست.» بلکه «الحال آن را انجام داده‌ام.» این فیض است. این شریعت حیات است. خدا آن را برای ابراهیم و ذریت بعد از او انجام داد. برای تمام نسل ابراهیم. همان‌گونه که کتاب مقدّس می‌گوید: "همه‌ی اسرائیل نجات خواهد یافت." اما منظور آن یهودیان نیست. همان‌طور که پولس می‌گوید: "آن اسرائیل که درونی است یا اسرائیل جسمانی." همان‌گونه که در شبی دیگر به آن خواهیم پرداخت، «جسمانی» فرزندان اسحاق بودند، از طریق روابط جسمانی. اما شریعت خدا توسط مسیح بود، که ذریت ملوکانه‌ی ابراهیم بود. که «اسرائیل، محض فیض نجات یافته است» این‌گونه «تمام آنانی که در مسیح هستند، نجات یافته‌اند» عهد دوّم خداوند. لکن، تمام اینها در مسیح پیشاپیش نشان داده شد.

۲۶. حال به آیه ۲ توجه کنید. آیه دوّم از باب شانزدهم کتاب تشبیه: "در جایی که برگزینم پرستش کنید." حال شما باید خدا را پرستش کنید. او گفت: "در جایی که برگزیدم" نه جایی که کس دیگری برگزیند، بلکه «آنچه من برگزینم».

حال اگر خدا جایی را برگزیده، بر ما لازم است تا دریابیم که در مورد آن چه گفته است و آنجا کجاست؟ من می‌خواهم بدانم. چون واقعاً می‌خواهم او را پرستم.

همه‌ی ما امشب اینجا هستیم تا او را پرستیم. امشب ما بعنوان متدیست، باپتیست، کاتولیک، شاهدان یهوه و... جمع شده‌ایم، اما همه‌ی ما بدنبال یک چیز هستیم.

می‌خواهیم حقیقت را بشناسیم. کتاب مقدّس می‌گوید: "حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد."

شما تا زمانی که ندانید چگونه آن را انجام دهید، نمی‌دانید که چه می‌کنید. باید بدانید که چه می‌کنید و چگونه باید آنرا انجام دهید.

۲۷. این به ما نشان می‌دهد که خدا برای پرستندگان خویش یک محل ملاقات دارد. در یک مکان معین، و خدا تنها در آن مکان با پرستندگان خویش ملاقات می‌کند.

۲۸. و همچنین اعلام نموده که نام خود را در مکانی که برای پرستندگان خویش برگزیده قرار می‌دهد. حال از طریق کتاب مقدّس جستجو کنیم تا دریابیم این مکان کجاست. مطمئناً، اگر خدا گفته است که نام خود را بر مکانی که برگزیده تا... با قوم خویش ملاقات کند و از جانب آنها پرستیده شود، این مکان جایی در کتاب مقدّس است. چون این مربوط به تمامی ادوار بود.

۲۹. و خداوند پایدار نمی‌تواند تغییر کند. انسان تغییر می‌کند. شما همیشه و در هر زمانی می‌توانید زندگی خود را بر چیزی که خدا گفته است قرار دهید. چون آن حقیقت است. زیرا تنها چیزی که می‌توانم به آن اطمینان داشته باشم کتاب مقدّس است. کلام انسان مردود می‌شود اما کلام خدا عالی است.

امسال باید بیش از آنچه که سال قبل می‌دانستم بدانم. شما باید هر روزتان چنین باشد. ما محدود هستیم، پس کسب علم می‌کنیم.

اما خدا نامحدود است و به همین دلیل نمی‌تواند کسب علم کند. او کامل است و هر تصمیم او باید کاملاً درست باشد.

۳۰. و خدا به طریقی که یک‌بار عمل کرده است، همیشه باید به همان طریق عمل کند. اگر یک انسانی برای نجات به سمت خدا بیاید، بر اساس مبنایی که او را پذیرفته، باید همیشه بر همان مبنی او را بپذیرد. اگر یک انسان برای شفای الهی نزد خدا بیاید و خداوند بر اساس یک مبنی او را بپذیرد، انسان بعدی که می‌آید، باید او را نیز بر اساس همان مبنی بپذیرد. یا اینکه در اولین پذیرش دچار اشتباه شده باشد. خدا یک مبنی و اساس را قرار داده که بر طبق آن می‌تواند انسان را ملاقات کند. او مبنای اینکه باید چه انجام شود و چطور انجام شود را قرار داده، و آن از طریق خون یک بره در باغ عدن بوده است. خداوند هرگز و در هیچ زمانی آن را تغییر نداده است.

۳۱. او چگونگی نجات انسان را معین نموده است. ما امروزه تلاش کرده‌ایم تا این را به انسان بیاموزیم. تلاش کرده‌ایم تا آنها را آموزش دهیم. تا آنها را معین کنیم. ما به هر کاری متوسل شده‌ایم تا آنها را به تحرک واداریم. آنها را تعمید دهیم. این کار را به هر طریقی انجام داده‌ایم. اما همچنان همان باقی است. خدا انسان را زیر پوشش خون بره ملاقات می‌کند. راه خدا در ابتدا «خون» بود، و خون راه خدا برای امشب است. خوب است که توبه کرده و همه‌ی این اعمال را انجام دهیم. اما تنها از طریق خون است که نجات حاصل می‌شود. خون، تنها راهی است که خدا برای نجات انسان برگزیده و نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

۳۲. ایوب همین را داشت. او می‌دانست که عادل است. چون، چون قربانی که خدا از او خواسته بود را تقدیم نموده بود.

۳۳. حال، بیایید جستجو کنیم تا ببینیم این مکان کجاست. جایی که خدا نام خود را در آن قرار می‌دهد. می‌خواهیم دریابیم که او نام خود را در کجا قرار می‌دهد. بعد اگر دریابیم که نام او چیست و این نام را در کجا قرار می‌دهد، با یافتن آن، ما محل درست پرستش را یافته‌ایم.

البته تمام این امور، سایه‌ی چیزهایی بودند که باید بیاید. تمام شریعت سایه‌ی چیزهایی بود که باید می‌آمد.

۳۴. دقیقاً به همان صورتی که ماه، یک سایه از خورشید است. او در زمان غیبت خورشید خدمت می‌کند. دقیقاً به همان صورتی که کلیسا در زمان غیبت پسر خدا خدمت می‌کند. در غیاب پسر، نور کوچک‌تر، یعنی کلیسا، ایمانداران خدا را خدمت نموده و در غیاب پسر، نور را پخش می‌کند. اما زمانی که خورشید طلوع می‌کند، شما دیگر ماه را نمی‌بینید. چرا که آن، پایین رفته است. زیرا دیگر نیازی به نور آن نیست. زیرا آن نور غیر مستقیم خورشید را دریافت می‌کند. کلیسا و مسیح مانند ماه و خورشید، زن و شوهر می‌باشند.

۳۵. حال در می‌یابیم که تمامی این امور سایه‌ای از مسیح هستند. هر قربانی، هر عید و هر امر دیگری در عهد عتیق سایه‌ای از مسیح است. درست مثل سایه‌ای که بر روی زمین می‌افتد. اینجا جایی است که بر می‌گردیم تا مکان درست پرستش را بیابیم. اینجا در عهد عتیق. جایی که اینها داده شد، تا ببینیم که این امور چه بودند.

۳۶. حال زمانی که سایه‌ای روی زمین می‌افتد، شما می‌توانید بگویید که آیا این سایه‌ی یک زن، یک مرد، یا هر چیز دیگری است. چون آن، روی زمین سایه ایجاد نموده است. همان‌طور که سایه کوتاه‌تر می‌شود، ماهیت آن رو به زوال می‌رود و هیچ ماهیت یا وجودی نمی‌تواند بدون منشاء باشد. زمانی که منشاء به آن بازتاب نزدیک می‌شود، ماهیت آن بازتاب در منشاء فرو رفته و سایه و منشاء یکی می‌شوند.

و اگر «چیزهای قدیمی» کتاب مقدس می‌گوید: "عهد عتیق سایه‌ی چیزهایی بود که باید می‌آمد." پس از این‌رو مسیح، سایه‌ی چیزهایی بود که باید بیاید.

۳۷. می‌توانیم توسط نمونه‌های عهد عتیق ببینیم که او کجا را برگزید تا نام خود را قرار دهد.... حال، همان‌طور که سایه بر روی زمین افتاده است، گفتیم، وجود یک الگو است. پس ما پرستندگان نیز، می‌توانیم ببینیم که سایه‌های عهد عتیق در حال محو شدن در منشاء جدید هستند.

۳۸. حال، تمام جشن‌ها، تمام خیمه‌ها... هر چیز که در خیمه است، همه چیز نمونه‌ای از مسیح بود. تمام هدایا، تمام قوانین، همه چیز در الگوی مسیح بود. ما همراه آن بوده‌ایم، زمان به زمان، اینجا در خیمه.

بعد می‌بینیم که توسط اینها، هر عقیده، کلیسا و فرقه‌ای پشت سر رها شده است. حتی اصلاً دور هم نیستند. همه‌ی عقاید، همه‌ی فرقه‌ها، کاملاً بیرون مانده‌اند. به هیچ عنوان جایی برای آنها وجود ندارد.

۳۹. در هیچ جایی از عهد عتیق و یا کتاب مقدس به غیر از برج بابل، هیچ چیز دیگری در مورد کلیسا ثبت نشده است. آن تنها جایی است که یک اتحاد ثبت شده



است. زیرا توسط نمرود که فردی شریر بود انجام شده بود. او رفته و همه کشورهای کوچک‌تر را وادار کرده بود، در یک‌جا جمع شوند تا این برج عظیم را بنا کنند. قطعاً، این نمونه‌ی یک پرستش مذهبی بود. اما بر مبنی و اندیشه مبتنی بر کلام خدا نبود. اینجا جایی است که شما نمونه‌ای از یک مذهب فرقه‌ای را می‌بینید. برج بابل در عهد عتیق. این مذهب، قطعاً یک مذهب بود؛ اما نه مذهبی از کلام خدا.

۴۰. خدا هیچ فرقه‌ای را برگزیده است تا نام خود را بر آن قرار دهد. یک دلیل کتاب مقدّسی برای آن می‌خواهم، البته اگر وجود داشته باشد. می‌دانم مدّعی هستند که او این کار را کرده است، اما این چنین نیست. او نمی‌تواند نام خویش را در جاهای مختلفی قرار دهد. زیرا گفته است که نام خود را در یک مکان قرار خواهد داد. هر یک از فرقه‌های ما می‌خواهند بگویند که، آن یک مکان هستند، اما این برخلاف حقیقت است.

اما او نام خود را کجا قرار داده بود؟

۴۱. حال، ابتدا، نام او چیست؟ قبل از اینکه دریابیم جایی که او نام خویش را قرار می‌دهد کجاست، ابتدا باید متوجّه شویم که نام او چیست.

می‌دانیم که او عناوین متعدّدی دارد او... او «پدر» نامیده شده بود که یک عنوان است. «پسر» که یک عنوان است، «روح القدس» که یک عنوان است. «رز شارون» که یک عنوان است. «سوسن وادی‌ها»، «ستاره‌ی صبح»، «یهوه یری»، «یهوه رافا»، هفت نام مرکب و «رستگاری بخش» که همه‌ی آنها عنوان هستند و هیچ یک از آنها نام نبودند.

اما او یک نام دارد.

۴۲. زمانی که با موسی ملاقات کرد، هنوز نامی نداشت و به موسی گفت: "هستم آنکه هستم." و زمانی که عیسی را بر روی زمین می‌بینم که در عبرانیان باب ۶ صحبت می‌کند... عذر می‌خواهم، یوحنا باب ششم، او گفت: "هستم آنکه هستم."

آنها می‌گفتند: "چرا، تو که انسان هستی و هنوز پنجاه سال سن نداری و می‌گویی ابراهیم را دیده‌ای؟"

۴۳. او گفت: "قبل از آنکه ابراهیم باشد، من هستم" و «هستم» یک بوته‌ی آتش بود. ستون آتش که در بوته‌ی آتش بود. به ایام موسی بر می‌گشت «هستم آنکه هستم».

۴۴. و همچنین می‌بینم که عیسی گفت: "من به نام پدر آمده‌ام و شما من را نمی‌پذیرید." پس نام پدر باید عیسی باشد. درست است. نام پدر عیسی است، چون عیسی این را گفت: "من نام پدر خود را دارم. من به نام پدر می‌آیم و شما من را نمی‌پذیرید." نام او عیسی بود.

جبرئیل او را عیسی خطاب کرد. انبیا او را عیسی خطاب می‌کردند و او مطلقاً عیسی بود. حتی پیش از تولدش، نبی او را عمانوئیل خواند که معنی آن، «خدا با ما» است. پس، خدا در جسم آشکار شده بود. برای اینکه گناهان جهان را بردارد و نام عیسی به او داده شده بود. پس «عیسی» نام اوست.

و نام بر یک انسان قرار گرفته بود. نه یک کلیسا، نه یک فرقه، نه یک آیین؛ بلکه یک انسان. حال در می‌یابیم که او مکان پرستش خدا می‌شود. جایی که شما او را پرستش می‌کنید.

۴۵. حتی قبل از اینکه به دنیا بیاید، عیسی نامیده شده بود. این بسیار حائز اهمیت بود. توسط جبرئیل بود که این نام به مادر او داده شد. که او «عیسی، پسر خدا» خوانده خواهد شد. یعنی همان چیزی که بود.

۴۶. پس ما آن را داریم. این تنها، تنها از آن اوست. مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش. مکانی که خدا برگزید. خدا آن را برگزید تا انسان را ملاقات کند. یک کلیسا نبود، یک فرقه نبود و نه در یک آیین، بلکه در مسیح. این تنها جایی است که خدا با یک انسان ملاقات خواهد کرد و او می‌تواند خدا را عبادت کند، در مسیح. این تنها مکان است. مهم نیست که شما متدیست، باپتیست، کاتولیک، پروتستان و یا هر چیز دیگری باشید، تنها یک مکان وجود دارد که می‌توانید به درستی خدا را پرستش نمایید و آن، در مسیح است.

رومیان ۸: ۱ می‌گوید: "پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح هستند. زیرا که شریعت روح حیات در مسیح مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید." این انجیل است.

۴۷. ما می‌توانیم تفکرات مختلفی داشته باشیم. ممکن است بر اساس تئوری‌های انسانی، متفاوت باشیم. شما می‌توانید به کلیسای متدیست بروید و باید یک متدیست باشید. به باپتیست بروید و باپتیست باشید. به کاتولیک بروید و کاتولیک باشید. اما زمانی که شما یک بار در مسیح تعمید یافته باشید و عضوی از بدن او باشید، دیگر تفاوتی نیست. دیوارهای محصور کننده برداشته شده و شما آزاد هستید. چون در مسیح عیسی هستید. و زمانی که در مسیح عیسی هستید، خدا را در روح و راستی پرستش می‌کنید. این نقشه‌ی خدا برای شماست که او را در مسیح عیسی پرستش نمایید.

۴۸. هیچ کلیسای فرقه‌ای نمی‌تواند مدّعی این باشد. هیچ یک نمی‌توانند مدّعی این باشند. چطور جرأت چنین ادعایی را دارید؟ تا اعمال روح ضد مسیح را بجا آورید. از مسیح فاصله بگیرید، از او فاصله بگیرید. نمی‌توانید این کار را انجام دهید. مسیح، تنها جایی است که خدا، پرستندگان را ملاقات می‌کند.

۴۹. مردم امروزه می‌گویند، کسانی بوده‌اند که به من گفته‌اند، مدّتی پیش یک نفر به من گفت: "برادر برانهام! اگر نام شما در کتاب کلیسای ما نباشد، نمی‌توانید به ملکوت بروید." تابحال به این فکر کرده‌اید؟ چیزهای این چنین را باور نکنید. آنها فکر می‌کنند شما یا باید به کلیسای معینی تعلق داشته باشید، یا اینکه نمی‌توانید به ملکوت بروید. این اشتباه است. ایمان به این تفکر، ایمان به ضدّ مسیح است. به شما می‌گویم: "اگر شما به چنین روحی ایمان دارید، گمراه گشته‌اید. این نشانه‌ی خوبی از گمراهی شماست. چون شما را از آنچه که او انجام داد دور می‌کند. خدا هرگز نام خویش را بر هیچ کلیسایی قرار نداد، بلکه آن را بر پسر خود عیسی مسیح قرار داد. زمانی که او و پسر یکی گشتند. این مکان حقیقی پرستش است و بر بنیاد و صخره‌ی دیگری قرار نگرفته است.

بر مسیح، صخره‌ی مستحکم می‌ایستم

تمام سرزمین‌های دیگر در شن‌ها فرو می‌روند.

فرقه‌ها خرد شده و سقوط خواهند نمود، امّت‌ها از بین خواهند رفت، اما او تا ابدآباد باقی خواهد بود. هیچ جای دیگری که انسان بتواند بیابد تا خدا را پرستش کند و خدا در آنجا با او تکلم کند وجود ندارد، هیچ جایی به غیر از مسیح عیسی. این تنها مکان است. تنها مکانی که خدا برگزید تا نام خویش را در آن قرار دهد و تنها مکانی

که خدا انسان را برای پرستش ملاقات می‌کند. اگر شما به چیز دیگری ایمان داشته باشید، گم گشته‌اید.

۵۰. توجه داشته باشید، تمام هفت عید یهودی در همان مکان برگزار می‌شد. آنها هرگز یک عید را اینجا برای متدیست، یکی را هم در آنجا برای باپتیست، یکی آنجا برای پرزبیتری‌ها و یکی هم آنجا برای کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها برگزار نکردند. تمام آن هفت عید در یک مکان برگزار می‌شد.

۵۱. این نمونه‌ای بسیار زیبا است. ما هفت دوره‌ی کلیسا را مرور کرده‌ایم، که نشان می‌دهد خدا تمام هفت دوره‌ی کلیسا را در کلام حفظ کرده است. چون هر دوره‌ی کلیسا یک بخش از کلام را حاصل نموده است و هر زمانی که آن را حاصل کرده‌اند، نور را دیده‌اند. درست مانند افرادی که ابتدا دریافتند که باید به نام عیسی مسیح تعمید گیرند. آنها چه کاری انجام دادند؟ از آن یک فرقه بوجود آوردند و همان‌جا مردند. سپس خدا از آنجا به سمت شخص دیگری حرکت کرد. او هرگز در هیچ یک از آن آیین‌ها و دُگم‌ها باقی نخواهد ماند. او کاری با آنها ندارد. هیچ چیز نیست که بخواهد خدا را منحرف نماید. کلام خدا مقدّس و ناب است. مسیح، نقطه مرکزی پرستش خداست. او خداست.

۵۲. تمام هفت عید باید در یک محل برگزار می‌شد. شما نمی‌توانستید عید را در جای دیگری برگزار کنید. بلکه هفت... هفت عید سالیانه‌ی آنها می‌بایست در یک مکان برگزار می‌شد. بنابراین، تمام هفت دوره‌ی کلیسا می‌بایست از یک مکان آمده باشد. مسیح بود که در تمام هفت دوره‌ی کلیسا صحبت می‌کرد. این کاملاً درست است. نمونه‌ی هفت دوره‌ی کلیسا. اما آنها فرقه‌ها را از آن ایجاد نمودند.

۵۳. حال، تا زمانی که اینجا هستیم، به یک نمونه‌ی دیگر نگاه کنیم. آن، نمونه‌ی فصیح است که سایه‌ای از عیسی است. در اینجا به قربانی خون توسط مرگ توجه کنیم. قربانی خون جایی بود که حکایت از مسیح داشت. یک فرقه می‌تواند خون خود را بدهد. شما می‌توانید به خون یک کلیسا یا یک فرقه فکر کنید؟ مطمئناً خیر. این خون، باید از یک حیات و زندگی گرفته می‌شد تا حیات بخش باشد، و حیات، عیسی، بعنوان یک بره آمد. بره نمادی از مسیح و نمایانگر مسیح بود، زیرا او «بره‌ی خدا بود» که یوحنا او را معرفی نمود «که گناهان جهان را بر می‌دارد» اینجا در باب دوازدهم کتاب خروج، می‌بینیم که عیسی نمایان می‌شود.

۵۴. توجه کنید، این تنها مکانی بود که مرگ نمی‌توانست آن را بزند. زمانی که مرگ از تمام آن سرزمین عبور می‌کرد و همه‌ی قوم را می‌زد، تنها در یک مکان مشخص بود که نمی‌توانست وارد شود. تنها یک مکان! معنی آن، یک خانه نبود، آنجا جایی بود که بره ذبح شده بود. جایی که خون بره بود، جایی بود که فرشته مرگ نمی‌توانست عبور کند. چون آنجا، جایی بود که خدا نام خود را در آن قرار داده بود. و آن بره، در ابتدا به آن اشاره شده بود، یک بره. توجه کنید. این مکانی بود که فرشته مرگ نمی‌توانست به آن وارد شود.

۵۵. و امروز نیز به همین صورت است. تنها یک مکان وجود دارد که مرگ روحانی نمی‌تواند به آن وارد شود و آن، کلام است. مرگ نمی‌تواند به کلام وارد شود، زیرا این کلام زنده‌ی خداست.

اما زمانی که شما تفکرات انسانی را با آن یکی می‌کنید، کلام از آن جدا می‌شود. کلام مثل آب از روغن جدا می‌شود. شما نمی‌توانید این دو را با هم ادغام کنید.

بنابراین، می‌بینید، زمانی که تفکرات و عقاید انسانی به یک فرقه وارد می‌شود، همه‌ی آنها به دنبال آن حرکت می‌کنند. کلام در آنجا محو می‌گردد، و با یک فرد دیگر حرکت می‌کند و آن را بیشتر رشد می‌دهد. حرکت کلام، یک حرکت آنی است. از عدالت به تقدّس. تعمید روح القدس و... مسیری که خدا در آن حرکت می‌کند را می‌بینید؟ او در تمام مدّت از همین طریق نام خویش را آورده است. چون او کلمه است.

توجّه داشته باشید، او نمی‌تواند بمیرد. کلام حیات نمی‌تواند بمیرد.

۵۶. توجّه کنید که چقدر کامل و بی‌نقص است. برای فرشته‌ی مرگ، زدن روشنفکران مصر ممنوع نبود. سرزمین‌های مقدّس آن، ساختمان‌های بزرگ و عظیم و فرعون‌های آن، یا کاهنان آن سرزمین؛ فرشته‌ی مرگ، از زدن هیچ کدام برحذر نشده بود. او می‌توانست هر مکان و شخصی را بزند، اما جایی را که برّه بود نمی‌توانست بزند. مرگ نمی‌تواند مکانی را که از جانب خداوند مهیّا شده است بزند؛ و آن مکان، در برّه است.

۵۷. توجّه داشته باشید. نه حتّی... حتّی زدن اسرائیل یا کاهنان عبرانی یا هریک از فرقه‌ها و دسته‌های آنان نیز برای فرشته مرگ ممنوع نبود. تمام آنها باید در مکان برگزیده و مهیّا شده‌ی خدا می‌بودند. در غیر این صورت، مرگ آنها را می‌زد.

۵۸. کلیسا، هر جایی که هستید، به هرچه که تعلق دارید، برای من تفاوتی ندارد. اما، یک چیز هست که باید بدانید. شما یا باید در مسیح باشید و یا مرده‌اید. خارج از او نمی‌توانید زندگی کنید. بعنوان یک ساختمان، شاید کلیسای خوبی داشته باشید. بعنوان یک انسان، دوستی شما خوب باشد. اما هنگامی که شما بدن، خون و کلام عیسی مسیح را رد می‌کنید، در همان لحظه‌ای که این کار را می‌کنید، مرده‌اید. این، مکان

برگزیده‌ی خدا برای پرستش است. آنجا، دقیقاً جایی است که نام خداوند در آن قرار دارد. آنجا جایی است که او برگزید تا نام خویش را بر آن قرار دهد. نه در کلیسا، بلکه در پسر، عیسی مسیح.

۵۹. توجه کنید، ایمنی، در مکانی که او برگزید قرار دارد. یعنی در برّهی او، و در نام برّه.

۶۰. توجه داشته باشید که این برّه یک برّهی مونث نبود بلکه یک برّهی مذکر بود. نه یک کلیسا، بلکه نام او (مذکر) نه یک نام مونث، بلکه نام او (مذکر)، برّه.

۶۱. حال ما می‌گوییم کلیسا با عظمت و قدرت، چنین و چنان کرد. ما اعضای زیادی را جذب کرده‌ایم. ما آمار بالایی از اعضا را داریم. او (مونث - کلیسا) عظیم است.

اما، خدا هرگز چیزی در مورد یک او (مونث) نگفته است، او گفته است او (مذکر) مکان ملاقات است. برّه، نه کلیسا. او نام او (مونث) را هیچ‌جا قرار نداده است بلکه نام خود را در او (مذکر) قرار داد. «تمام کاری که ما باید انجام دهیم، در قول و فعل، همه را باید در نام عیسی مسیح انجام دهیم.» اگر دعا می‌کنیم، باید به نام عیسی دعا کنیم. اگر درخواستی می‌کنیم، باید به نام عیسی بخواهیم. اگر راه می‌رویم، به نام عیسی راه می‌رویم. اگر حرف می‌زنیم، به نام عیسی حرف بزنیم. اگر تعمیم می‌گیریم، باید به نام عیسی مسیح تعمیم بگیریم. چرا که «هرآنچه می‌کنیم، در قول و فعل همه را باید به نام عیسی مسیح انجام دهیم.»



۶۲. مدت‌ها پیش با یک دوستی صحبت می‌کردم. او می‌گفت: "برادر برانهام! همسر من، من... " او گفت: "نام او فلان و فلان است." این دوست من یک خادم است و شاید الآن اینجا نشسته باشد. او می‌گفت: "همسر من" می‌گفت: "او نام من را گرفت." من او را جونز<sup>۱</sup> صدا خواهم کرد. او می‌گفت: "حال او دیگر مجبور نیست هر روز صبح از خواب بیدار شود و جاروب را برداشته و بگوید، به نام جونز زمین را جارو می‌کنم. به نام جونز ظرف‌ها را می‌شویم. به نام جونز لباس‌ها را مرتب می‌کنم." او می‌گفت: "فکر نمی‌کنم که اصلاً مجبور باشید هیچ اسمی را بخوانید."

گفتم: "گمان می‌کنم که این‌گونه باشید." درست است.

او گفت: "خوب، چرا؟ او مجبور نیست که این کار را بکند و هر کاری که می‌خواهد انجام دهد بگوید به نام جونز."

۶۳. من گفتم: "ولی شما هرگز یک‌باره در خیابان راه نیفتادید که او را بگیرید و بگویید: "بیا جونز" او باید ابتدا از طریق یک تشریفات، یک جشن عروسی، یک جونز می‌شد، در غیر این صورت شما در زنا زندگی می‌کنید. به همین صورت اگر شما به هر طریقی به غیر از نام عیسی مسیح تعمید یافته باشید، این تعمید یک زنا بوده و در هیچ جای کتاب مقدس نیز یافت نمی‌شود." پس «هر آنچه می‌کنید، در قول و فعل به نام عیسی انجام دهید.» اما شما باید ابتدا نام او را بر خود بگیرید.

۶۴. امشب، در این ساختمان، خانم‌های خوب زیادی نشسته‌اند، خانم‌هایی محترم و با وقار، ولی تنها یکی از آنها خانم «ویلیام برانهام» است. او کسی است که با من به منزل می‌رود. اوست که همسر من است.

۶۵. در این دنیا، افراد خوب بسیاری وجود دارند، کلیساهای خوب، اما تنها یک خانم برای عیسی مسیح وجود دارد که او به دنبالش خواهد آمد. آنجا جایی است که نام او قرار می‌گیرد. جایی که پرستش او برپا است. تنها در او (موث) و در او (موث). این حقیقت است. اوه، بله آقا! ما حقیقت این امر را در می‌یابیم.

۶۶. حال، به این دلیل است که ما هر آنچه انجام می‌دهیم «در قول و فعل همه را به نام عیسی مسیح انجام می‌دهیم.»

«در زیر آسمان نامی دیگر برای نجات داده نشده، به جز عیسی مسیح.» اعمال باب ۲ این را می‌گوید: "تا بر شما معلوم شود..."، "در هیچ کس غیر از او نجات نیست؛ زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان ما باید نجات یابیم، تنها در نام عیسی مسیح." آمین! امیدوارم فهمیده باشید. نام عیسی مسیح...

بلندترین آسمان او را نام برده است، «تمام خانواده آسمان او را نام برده است.» کتاب مقدس گفته است: "تمام خانواده بر روی زمین عیسی را نامیده است." پس، او نام برگزیده‌ی خداست و جایی که آن را قرار داده است. این مکان پرستش اوست. در عیسی مسیح. حال ما می‌دانیم که چنین است. هیچ جای دیگری جهت پرستش نیست، بلکه تنها در او.

۶۷. "زیرا اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان ما باید نجات یابیم." او نام خدا برای رستگاری است. خدا یک نام دارد که یهوه یری، یهوه رافا، یهوه یری خوانده شده است. "خداوند تمام گناهان ما را می‌بخشد." یهوه رافا "خداوند تمام زخم‌ها را شفا می‌دهد." او عناوین زیادی داشت. اما تنها یک نام برای رستگاری دارد

که متعلق به بشر است و آن نام، «عیسی» است. این نام اوست که برگزید تا آن را قرار دهد. آن نام را در کجا قرار داد؟ او آن نام را در مسیح قرار داد.

۶۸. اعتماد به تمام عنوان‌ها و اسامی کلیساها و آیین‌های دیگر، یعنی مرگ. اگر شما به کلیسای متدیست اعتماد می‌کنید که شما را به ملکوت ببرد، گمراه گشته‌اید. اگر این اعتماد را به کلیسای پنطیکاستی دارید، گمراه شده‌اید؛ باپتیست، لوتری، پرزبیتری، کاتولیک یا هر کلیسای دیگری که شما به نام و یا عنوان آن یا تعالیم آنها اعتقاد دارید، گمراه گشته‌اید.

زیرا شما تا وقتی که اول به مکان پرستش بیایید، حتی نمی‌توانید پرستش نمایید. آمین! این تنها جایی است که خدا پرستنده را ملاقات می‌کند. جایی که برگزید تا نام خود را در آن قرار دهد. به هر چیز دیگری که اعتماد داشته باشید، خواهید مرد. او همچنین...

۶۹. یک سایه‌ی دیگر از مسیح، من زیر آن را علامت زده‌ام. همچنین او، او اینجا نمایانده شده است، «او باید بدون لگه باشد.» جایی که او نام خویش را قرار می‌دهد. این بره باید بدون لگه باشد. حال شما چه فرقه و یا سیستمی را می‌توانید به این متصل کنید؟ چه کلیسایی، کاتولیک، پروتستان، یهودی، هر چه که هست؟ چه فرقه و یا سیستمی را می‌توانید به آن متصل کنید که «بدون لک روی آن» باشد؟ تمام آنها رد و طرد شده‌اند!

اما یک مکان وجود دارد! هللویاه! آن مکان، عیسی مسیح است. در او هیچ لگه‌ای نیست. هیچ خطایی در او نیست.

نمی‌توانید این را متصل کنید. تمام افرادی که تلاش می‌کنند تا این کار را انجام دهند، می‌گویند که کلیسای آنها عاری از خطاست. آنها آلوده، شکننده‌ی کلام، نیمه‌جان، لائودیکیه‌ای و... هستند؛ اما حقیقت نیستند. اما حتّی پیلاتوس، دشمن او گفت: "نمی‌توانم خطایی در او پیدا کنم." دشمن او، خود شهادت داد که خطایی در او نبود. هیچ گناهی را نمی‌توانید به او وصل کنید.

۷۰. او به کاهنان ایّام خود گفت: "کدامیک از شما می‌تواند من را به گناه متّهم کند؟ چه کسی می‌تواند نشان دهد که من گناهکارم؟"

یک کلیسا را به من بگویید که بتواند بگویند تابحال مرتکب هیچ اشتباهی نشده‌اند. صادقانه، حتّی یک مورد هم در بین آنها نیست. چه قتل‌ها و چه کارهایی که نکرده‌اند و یا قصد انجام آن را دارند. بعد هنوز خود را... خیر، این مکان ملاقات و پرستش خدا نیست، در هیچ فرقه و یا آیینی نیست.

۷۱. دوستان من، نمی‌خواهم که شما را آزرده کنم. اما در برابر یک پیغام مسئول هستم، و آن پیغام این است: "از این آشفتگی خارج شوید." و اگر از شما می‌خواهم که بیرون بیایید، می‌خواهم شما را به کجا ببرم؟ آیا می‌توانم شما را به خیمه‌ی برانهام ببرم؟ این هم به اندازه‌ی بقیه‌ی تفکرات، غلط است.

اما جایی هست که می‌توانم شما را به آنجا ببرم. جایی که شما در امان هستید و از مرگ محافظت می‌شوید. آن در عیسی مسیح است. مکان پرستش خدا. این مکانی است که امشب به شما معرفی می‌کنم، جایی که خدا نام خویش را در آن قرار داد. جایی که او وعده داده است تا هرکس را که به آنجا می‌آید ملاقات کند. جایی که می‌تواند با او عبادت کند و جشن بگیرد، در مسیح است، نه در هیچ کلیسا و یا فرقه‌ای.

اما در مسیح، او خیمه‌ی خداست. او مکانی است که خدا، خود، به آن آمد و در آن ساکن شد. «این است پسر حبیب من که از سکونت در او خوشنودم.» این، جایی است که خدا خیمه زد و نام خود را بر آن قرار داد، عیسی مسیح. بنابراین نام او بر یک انسان قرار گرفت. پسر او، عیسی مسیح. در او، که خود او خیمه زد، و در آن خیمه.

جایی که به نوعی، اورشلیم در عهد عتیق، جشن‌های قدیمی، معبد قدیمی، یک نمونه بود. زمانی که دود وارد شد، زمانی که تابوت عهد وارد شد، در جای خود قرار گرفت و صدای خدا از آن شنیده شد. آیا صدای خدا شنیده شد که به یک خیمه بیاید؟ عیسی مسیح، که در قدیم «جسمانی» یک نمونه و سایه از جدید بود. زمانی که به عیسی می‌رسد می‌گوید: «این است پسر حبیب من، که از سکونت در او خوشنودم. جایی که برگزیدم تا نام خویش را در آن قرار دهم، جایی که با انسان ملاقات خواهم کرد و جایی که در آن پرستیده خواهم شد.» خدا مکان را برگزید، نه در هیچ کلیسا یا فرقه‌ای، بلکه در عیسی مسیح. بله، آقا!

۷۲. همان‌طور که گفتم، او همچنین می‌بایست «بدون لگه» باشد. هیچ فرقه‌ای نمی‌تواند مدعی این امر باشد. اگر باشند، ضد مسیح هستند.

۷۳. توجه کنید، ما باز در اینجا با یک سایه از مسیح روبرو می‌شویم. بره باید نگه داشته می‌شد... اگر در حال علامت‌گذاری این مطلب هستید، خروج ۱۲: ۳ - ۶. بره باید برای چهار روز نگهداری می‌شد تا آزموده شود تا ببینند آیا شایسته‌ی قربانی شدن هست؟ باید گرفته می‌شد، بارها و بارها برای چهار روز آزمایش می‌شد، تا ببینند که آیا لگه یا بیماری در آن یافت می‌شود؟ تا ببینند که آیا آن بره دارای ایراد هست یا نه؟ باید چهار روز نگهداری می‌شد.

۷۴. حال توجّه داشته باشید. شاید بعضی از شما فکر کنید که آن برّه در روز چهاردهم ماه ذبح می‌شد. اما به یاد داشته باشید که آن برّه در روز دهم ماه انتخاب می‌شد و در روز چهاردهم ماه کشته می‌شد. می‌بینید که برای چهار روز نگاه داشته می‌شد.

۷۵. حال عیسی، نام خدا، برّه، به اورشلیم رفت و تا بعد از مرگ، تدفین و قیام خود از آنجا خارج نشد. او چهار شبانه روز زیر نقد و انتقاد نگاه داشته شد. آن برّه چقدر بی‌نقص برای چهار روز نگاه داشته شد. آن زمانی است که پیلاطوس گفت: "در او هیچ ایرادی نمی‌بینم."

۷۶. یک سایه‌ی دیگر از او، هیچ استخوانی از او نباید می‌شکست، او نیز زمانی که آنها نتوانستند استخوانی از او را بشکنند، کامل بود. در ذبح قربانی، در عهد عتیق، آنها نمی‌توانستند که استخوان قربانی را بشکنند. اگر این کار را می‌کردند، قربانی مقبول نبود. آنها پتک برداشتند تا استخوان‌های پای او را بشکنند. اما زمانی که گفته شد: "او مرده است" او را رها کردند. آنها پهلوی او را سوراخ کردند و خون و آب بیرون ریخت.

۷۷. باز توجّه کنید، یک چیز بزرگ دیگر. نمی‌توانستم از آن صرف‌نظر کنم. زیرا او نمایانگر و نشان دهنده‌ی هدایا بود. هدیه‌ی آردی.

به یاد دارم که زمانی آنها یک مدرسه در کتاب مقدّس داشتند، که مدرسه‌ی انبیا خوانده می‌شد و یک مدرسه‌ی واقعی بود. می‌بینیم که الیشع یک روز به آنجا رفت و آنها گفتند: "ما..." آنها دعا کردند که او از آنجا برود و می‌گفتند: "زمانی که تو اینجا هستی همه چیز خیلی..." آنها می‌خواستند که او از آنجا برود.

آنها بیرون رفتند تا برای او خوراک مهیا کنند و گروهی از کاهنان یا انبیا به صحرا رفتند تا سبزی‌ها بچینند و غذایی مهیا نمایند. زمانی که این کار را انجام دادند، دامن خویش را از آنها پر نمودند. زمانی که بازگشتند، آن سبزی‌ها، بوته‌ی برّی و سمی بود و آنها را داخل دیگ انداختند و دیگ شروع به جوشیدن کرد و یک نفر از آنها گفت: "افسوس، مرگ در دیگ است. نمی‌توانیم از آن بخوریم."

و الیشع گفت: "آرد بیاورید." و آرد را گرفته به داخل دیگ ریخت و گفت: "بخورید. دیگ شفا یافته است."

۷۸. هدیه‌ی آردی، مسیح بود. هر گرده‌ای باید چنین انجام می‌شد و هر مقدار از آرد باید به همین صورت ریخته می‌شد. چون هدیه‌ی آردی نشان دهنده‌ی این بود که او شفا دهنده است. او مرگ را کنار زده و حیات را جایگزین آن می‌کند. این کار را از طریق دو شریعت انجام می‌دهد. هلولویاه! در جایی که، مرگ در مکانی باشد، زمانی که مسیح به آنجا وارد می‌شود، حیات وارد می‌شود. او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است. جایی که مرگ بود، به حیات تبدیل می‌شد. زیرا که مسیح آن را حاصل کرده بود، هدیه‌ی آردی.

۷۹. اگر وقت صرف کنیم و آنها را بیابیم، این امور چه درس‌های بزرگی در بر دارند! توجّه داشته باشید، حتّی یک کلام از این سایه‌ها در عهد عتیق شکست نمی‌خورد. همه چیز بی نقص ثبت شده است.

او مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش است و نام خدا بدو داده شده است. او مکان پرستش خداست و نام خدا بدو داده شده است. او کلمه‌ی خداست، او نام خداست. او

هر دو است، نام و کلام خدا «و کلمه جسم گردید.» او کلمه‌ی خدا، بره‌ی خدا، نام خدا و خدا بود. این چیزی است که او بود، تنها مکان برگزیده‌ی پرستش خدا.

۸۰. و خدا هر مکان پرستش دیگری را به جز عیسی مسیح رد می‌نماید. شما در هیچ مکان دیگری نمی‌توانید او را عبادت نمایید. او گفت: "عبث مرا عبادت می‌نمایید، و تعالیم انسانی را اجرا می‌کنید." امروزه ما آیین‌ها، دگم‌ها و همه‌ی چیزهای دیگر را داریم که تعلیم می‌دهند راه این است و راه آن است.

و عیسی گفت: "هیچ کس نزد پدر نمی‌آید مگر از طریق من." به بیانی دیگر "من در آغل گوسفندان هستم و خارج از آن، همه سارقین هستند." او تنها معبر است. او راه و راستی و حیات است. تنها ورودی، تنها مکان، تنها پرستش، تنها نام.

همه چیز به او بسته است. تمام عهد عتیق به او بسته است. عهد جدید به او بسته است و امروزه کلیسا از طریق فرامین او، به او بسته است. هیچ جای دیگری، مکان دیگری و نام دیگری که خدا تا بحال وعده داده باشد که در آن با انسان ملاقات کند وجود ندارد. بلکه تنها در عیسی مسیح، مکان برگزیده‌ی او برای پرستش.

۸۱. توجه داشته باشید، خدا وعده داده است که پرستندگان خویش را تنها در یک مکان که برگزیده‌ی خود اوست و نه برگزیده‌ی ما، نه تفکرات ما، بلکه برگزیده‌ی خویش، ملاقات نماید و این باید جایی باشد که او نام خود را بر آن نهاد. جایی که او برگزید.

۸۲. حال که مکانی را که خدا نام خود را در آن قرار داد پیدا کردیم، که آن در عیسی مسیح است و هیچ جای دیگری و هیچ نام دیگری وجود ندارد؛ آیا قانع شده‌اید؟



بگویند آمین. [جماعت می‌گویند: "آمین!"] نکته در اینجاست، که ما درایم این مکان کجاست... هیچ مکان پرستش دیگری پذیرفته نیست، بلکه تنها در مسیح.

شما می‌توانید توبه کنید، اما هنوز در حال پرستش نیستید. شما در حال طلب بخشش هستید. بطرس می‌گفت...

یک روز در پنطیکاست، زمانی که همه‌ی آنها را دیدند که به زبانها صحبت می‌کنند و آیات و عجایب در حال رخ دادن است، خندیدند و گفتند: "این مردان مست شرابند. آنها سرمست شراب تازه هستند. مثل مستان رفتار می‌کنند..." مریم باکره، همه‌ی آنها، همه باهم بودند، یکصدویست نفر. آنها مانند افراد مست، گیج بودند و به زبانها صحبت می‌کردند. مردم می‌گفتند: "این مردان از شراب تازه سرمست شده‌اند."

۸۳. اما بطرس آنجا ایستاده و گفت: "ای مردان یهود و جمیع سکنه‌ی اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فرا بگیرید. زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شما گمان می‌برید. زیرا ساعت سوّم از روز است. بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت که خداوند می‌گوید در ایّام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوّت کنند و جوانان شما، رویاها و پیران شما خواب‌ها خواهند دید؛ و بر غلامان و کنیزان خود در آن ایّام از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوّت خواهند نمود و از بالا در افلاک، عجایب و از پایین در زمین، آیات را از خون و آتش و بخار دود به ظهور آورم. خورشید به ظلمت و ماه به خون مبدّل گردد، قبل از وقوع روز عظیم مشهور خداوند و چنین خواهد بود که هر که نام خداوند را بخواند نجات یابد."

۸۴. چون شنیدند دلریش گشته و گفتند: "ای برادران چه کنیم؟"

۸۵ پطرس بدیشان گفت: "توبه کنید و هریک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا که این است وعده برای شما و فرزندان شما و همه‌ی آنانی که دورند یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند."

۸۶ حال می‌خواهیم بدانیم که چگونه به آن داخل شویم. چگونه به این مکان پرستش وارد شویم؟ اوّل قرنتیان باب ۱۲ این را مشخص نموده است «به یک روح» نه از طریق یک کلیسا؛ نه با یک آیین، نه با یک شبان، نه با یک اسقف، بلکه «توسط یک روح القدس در یک بدن تعمید یافته‌ایم» که بدن عیسی مسیح است و فاعل همه‌ی عطایایی که در آن بدن قرار دارد. بله، آقا! هیچ اتحاد، قرائت تعالیم، غرور یا هیچ چیز دیگری. بلکه توسط توکّد در بدن عیسی مسیح تعمید یافته‌ایم. آمین! «توسط یک روح القدس در یک بدن تعمید یافته‌ایم.»

۸۷ و آن بدن چیست؟ "در ابتدا کلمه بود، کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد." چطور می‌توانیم در بدن باشیم و کلام او را انکار کنیم و یا آن را در جایی قرار دهیم که حتّی در بدن نمی‌باشد؟ چطور می‌توانیم؟ مکان برگزیده‌ی خدا!

۸۸ توجّه داشته باشید، زمانی که شما حقیقتاً در او تعمید یافته باشید، گواه حقیقی آن این است که به او ایمان دارید، به کلمه.

چطور ممکن است که بخشی از او باشید و او را انکار کنید؟ چطور می‌توانم دست خود را بعنوان یک دست انکار کنم؟ اگر... اگر این کار را بکنم، از نظر روانی یک مشکلی دارم، انکار این که این دست من است، این پای من است. هر ایمانداري که، هر

کلامی را که خدا گفته است و یا وعده‌ی آن را داده است را انکار می‌نماید، از نظر روحانی دچار مشکل است. این به اصطلاح ایمانداران از نظر روحانی مشکل دارند.

۸۹. شما نمی‌توانید یک کلمه‌ی او را انکار نمایید. زیرا خود، بخشی از آن شده‌اید. شما جزئی از او هستید زیرا در او تعمید یافته‌اید؛ توسط روح القدس، که شما را به بدن عیسی مسیح آورده است. چه چیز زیبایی!

۹۰. خدا یک مکان مشخص داشت که ابراهیم را ملاقات نمود و ابراهیم در آنجا او را پرستش نمود. در سرتاسر عهد!

کلام عهد او، توسط او در شما توصیف خواهد شد. این را درک کردید؟ کلامی که تحقق آن را در ایامی که شما در آن زندگی می‌کنید وعده داده است، شما رساله‌های نوشته شده‌ی خدا برای تمام بشر خواهید بود. نه آنچه که شما مدعی آن هستید، بلکه آنچه خداوند از طریق شما به عمل می‌آورد. بلندتر از هر چیزی که شما مدعی آن باشید سخن می‌گوید.

۹۱. او از این دوره صحبت کرده است. آنچه که الآن باید باشد. ایمانداران این دوره باید به این ایمان داشته باشند، آنچه که او امروز وعده داده است. درست به همان صورتی که باید وارد کشتی می‌شدند تا نجات یابند؛ از مصر خارج می‌شدند تا نجات یابند. اینک باید به مسیح وارد شوند تا نجات یابند، به پیغام کلام، که او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است.

۹۲. چگونه به آن داخل می‌شوید؟ توسط تعمید. چه تعمیدی، آب؟ توسط روح القدس! «همه ما توسط روح القدس در یک بدن تعمید یافته‌ایم.»

۹۳. و کلام وعده‌ی او، او... شما هرگز مجبور نخواهید بود آن را تفسیر نمایید. او از طریق شما، آنچه را که می‌کنید و آنچه را که وعده داده است را شرح می‌دهد. کلیسایی که او را مطابعت می‌کند، بسیار به او شبیه خواهد بود. تا جایی که مردم خواهند دانست.

به پطرس و یوحنا بنگرید، زمانی که از آنها در مورد شفای یک مرد در دروازه‌ی جمیل پرسیده شد. آنها گفتند: "آنها مشاهده نمودند. کاهنان آنها." هر دوی آنها بی‌سواد و از مردم عادی بودند. اما آنان به این نکته توجه داشتند که ایشان با عیسی بوده‌اند. آنان در حال انجام همان کارهایی بودند که او انجام می‌داد.

۹۴. او، مربوط به پدر بوده است و امروز نیز باید چنین باشد.

۹۵. حال، به یاد داشته باشید، او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است. زیرا خدا شما را در او ملاقات می‌کند. تنها مکانی که وجود دارد. زیرا این جایی است که او برگزید تا نام خویش را در آن قرار دهد، در عیسی. «عیسی» نام خدا است. به یاد داشته باشید که پدر، پسر و روح القدس، عناوینی هستند برای نام «عیسی مسیح».

۹۶. وقتی در متی گفته شده است: "پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید."

امروز چگونه سوء تعبیر شده و می‌گویند: "به نام پدر، پسر، روح القدس" این حتی مکتوب نشده است. این عمل «در نام» است، مفرد، «پدر، پسر، روح القدس». پدر یک نام نیست. پسر یک نام نیست. روح القدس یک نام نیست. بلکه یک عنوان است.

ده روز بعد، پطرس برخاسته و گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح تعمید یابید." آیا او کاری را کرد که عیسی انجام آن را از او نخواست بود؟ او کاری را کرد که به او گفته بود تا انجام دهد. نام پدر، پسر و روح القدس، «عیسی مسیح» است. همه‌ی افراد در عهد جدید به نام عیسی مسیح تعمید یافتند.

۹۷. در کتاب مقدس حتی یک نفر هم در عناوین پدر، پسر و روح القدس تعمید نیافته است. این امر تا زمانی که شورای نیقیه آن را در نیقیه روم مقرر کرد، بوجود نیامده بود. این یک آیین کلیسای کاتولیک بود که همین را در کاتشیزم<sup>۹</sup> تأیید کرده است. این را فهمیدم، درست است، حقایق ایمان ما و... که مطلقاً یک آیین کاتولیک رومی است. آنها به شما خواهند گفت که این در کتاب مقدس نیست، اما به خاطر پاپ این قدرت را دارند که اگر بخواهند کلام را تغییر دهند.

عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است "هرکس کلامی از این کتاب کم کند یا کلامی بر آن بیفزاید، نصیب او از درخت حیات منقطع خواهد شد." یک کلمه، نه یک جمله و یا یک پاراگراف. بلکه یک کلمه «هرکس که کلامی...».

۹۸. خدا در ابتدا قوم خود را با کلام خویش محافظت می نمود. یک کلمه سوء تعبیر شد و باعث هر مرگ و اندوه و مصیبت گردید. حوّا، او هرگز یک جمله را زیر پا نگذاشت، بلکه از یک کلمه عدول کرد. وقتی عیسی به میان کتاب می آید... که ابتدای کتاب بود.

زمانی که عیسی به کتاب آمد چه گفت؟ "مکتوب است انسان نه تنها محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد."

در پایان کتاب، مکاشفه باب ۲۲ آیه ۱۸، آخرین بخش کتاب مقدس، عیسی خود سخن گفته و می‌گوید: "شهادت می‌دهم که هر کس کلامی بر آنها بیفزاید و یا از آن کم کند، نصیب او از درخت حیات منقطع خواهد شد." چرا که او یک نبی کاذب است و قوم را به گمراهی برده و با این کار خون آنها بر دستان او خواهد بود.

۹۹. ما باید آن مکان پرستش را نگاه داریم که آن، عیسی مسیح، کلمه است. دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است. آمین! بسیار خوب. بخاطر داشته باشید، هیچ مکان دیگری که خدا آن را برای پرستش برگزیده باشد، وجود ندارد.

۱۰۰. یوحنا در آن سو، عهد عتیق و عهد جدید را به یکدیگر پیوند می‌دهد. حال خوب گوش کنید. خوب توجه کنید. یوحنا، آن عقاب عظیم، یک روز پرواز کنان از بیابان می‌آید، و بال‌های عظیم خود را گسترانده است. او در ساحل اردن قرار می‌گیرد. یک نبی که پل بین عهد عتیق و عهد جدید است. او آنها را از چپ و راست فرا خواند. او روز توبه را ندا می‌کرد.

وقتی که فریسیان و صدوقیان نزد او آمدند گفت: "با خود میندیشید که ابراهیم پدر ما است. به شما می‌گویم، خدا قادر است تا از این سنگ‌ها برای ابراهیم فرزندان سازد." اوه خدای من!

او زمانی که شروع به بشارت درباره‌ی مسیح کرد گفت: "کسی در میان شما ایستاده است که شما او را نمی‌شناسید، من او را نمی‌شناختم اما هنگامی که بیاید او را خواهم شناخت. من لایق آن نیستم که نعلین او را بردارم. اما او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. او غربال خود را به دست خود دارد و خرمن خویش را پاک

کرده، گندم را در انبار خود ذخیره خواهد نمود و گاه را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید."

۱۰۱. آن عقاب بزرگ انجیل آنجا قرار گرفته بود و پیغام خویش را اعلان می‌نمود و پلیدی بیرون آمد، هیروودیس، امپراطور در آن زمان، با همسر برادر خویش ازدواج کرده بود. می‌توانید تصوّر کنید که عقاب بزرگ انجیل آنجا بود و آرامش خود را در آن نگهداشته بود؟

بعضی از آنها می‌گفتند: "یوحنا! الآن در مورد ازدواج و طلاق موعظه نکن. چون هیروودیس آن را وضع نموده است."

۱۰۲. او مستقیم و رو در روی هیروودیس قرار گرفت و گفت: "برای تو حرام است که او را داشته باشی." درست است. او چه بود؟ او عقاب صحرا بود، او تحت تعلیم تهدیدها و اجبارهای انسانی یک فرقه نبود، بلکه تحت تعلیم قدرت قادر مطلق بود تا بداند که چه چیز باید انجام شود. او هویت مسیحا را می‌شناخت.

کلمه‌ی هلولویاه! به معنای «ستایش بر خدای ما» می‌باشد. ترسان مشوید. هرگز تا بحال کسی را نرنجانده‌ام. هیجان زده هم نیستم. می‌دانم که کجا هستم.

اوه، زمانی که به او فکر می‌کنم، آن عقاب بزرگی که در آنجا پرواز می‌کرد و پایین آمد. او گفت: "وقتی که بیاید او را می‌شناسم."

۱۰۳. یک روز او در مکانی ایستاده و موعظه می‌کرد. کاهنان که از سمت دیگر عبور می‌کردند به او گفتند: "منظور تو این است که روزی خواهد آمد که قربانی

روزانه متوقف می‌شود؟ این معبد عظیمی که ما ساخته‌ایم، و تمام اعمالی که فرقه‌ی بزرگ ما مقرر نموده است؟

او گفت: "زمانی خواهد آمد که تمام این امور در آن زمان متوقف می‌گردد."

گفتند: "این امکان ندارد. تو یک نبی کاذب هستی."

۱۰۴. او نگاهی به اطراف کرد و گفت: "اینک مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش" این است برّهی خدا. برّهی حقیقی که گناهان جهان را محو می‌سازد. او نگفت "اینک متدیست می‌آید، باپتیست می‌آید یا کاتولیک" بلکه گفت: "اینک برّهی خدا که گناه جهان را محو می‌سازد."

تنها مکان ایمن، در آن برّهی خداست. نجات تنها در اوست؛ نه در هیچ کلیسا، هیچ آیین، قوم، مادر، پدر، مرد مقدّس، مکان مقدّس یا هیچ چیز دیگر. در خدای قدّوس، خداوند عیسی مسیح. جایی که خدا نام خود را به جهت فدیّه، بر یک بشر قرار داد که بهای گناهان ما را پرداخت کرد. این تنها مکانی است که نجات در آن است، این صخره‌ای است که من بر آن می‌ایستم.

۱۰۵. یوحنا تعمد دهنده او را توصیف کرد. او گفت: "زمانی که او می‌آمد او را نمی‌شناختم، اما در آنجایی که من تعلیم دیدم..." او مانند پدرش یا یک کاهن، در یک مدرسه‌ی علوم دینی آموزش ندیده بود، بلکه در بیابان. جایی در مدرسه‌ی علوم الهیاتی خدای قادر مطلق. او منتظر کلام خدا بود، نه آنچه که گروهی از مردم ساخته بودند، بلکه آنچه که خدا در مورد آن گفته بود؛ و یوحنا به بالا نگریست و روح را دید که بر او قرار می‌گیرد و گفت: "این همان است، اوست."



این مکان پرستش شماست. این مکان مخفی شدن شماست. این بره‌ی خداست که گناهان جهان را محو می‌سازد. نه هیچ کلیسا، آیین یا هیچ چیز دیگری، بلکه بره‌ی خداست که گناهان جهان را محو می‌سازد.

۱۰۶. می‌دانید یوحنا چه کرد؟ او نگفت "شما فریسیان، صدوقیان و یا هیرودیس درست می‌گویید." بلکه گفت: "اینک بره‌ی این، آن مکان است. او نام را بدست آورده است. او یکی است. نه یک نام دیگر زیر آسمان.

۱۰۷. حال ببینید که عیسی در مورد یوحنا چه گفت. یک روز یوحنا افرادی را نزد او فرستاد تا ببینند او چه می‌کند. عیسی در مورد او گفت: "او آن نور عظیمی بود که باید مسیر درستی را که پیش از ظهور او، ظهور اوّل او طی می‌نمودند به آنها نشان دهد." با دقت گوش کنید، عیسی گفت: "یوحنا آن نور بود." ملاکی باب ۳، بدون تردید او همان است. آیات همراه او را می‌بینم. می‌دانم که او همان است "نوری از آسمان پایین آمده و بر او قرار گرفت." این منشاء نور بود. او همان منشاء بود.

۱۰۸. برادر من! در پایان می‌خواهم از شما چیزی بخواهم. می‌توانیم این را بگویم. آیا در ملاکی باب ۴ وعده‌ی عقابی دیگر، ستونی از نور که باید به دنبال آن برویم، که خطایای کلیسای امروز را به ما نشان می‌دهد، داده نشده است که در عبرانیان ۱۳ : ۱۸ او «دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است.»؟ آیا ما وعده‌ی یک عقاب دیگر که پرواز کنان از سوی بیابان می‌آید را نداریم؟ آمین! این کاملاً حقیقت است. تناسب و تطابق آن در لوقا ۱۷ : ۳۰ است. جایی که پسر انسان (عقاب) خود را آشکار نموده و هر مکان پرستش دیگری مثل فرقه‌ها را نابود خواهد نمود.

خدا مکان خویش را برگزید. یوحنا گفت: "او اینجاست."

۱۰۹. و این امور برای امروز و این دوره نیز به ما وعده داده شده است. در ملاکی باب ۴ "تا قلب‌های فرزندان برگردانده شود." تا بگوییم که او زنده است. این امور مربوط به یک دوره‌ی دیگر نیستند، تعمیم به نام عیسی تنها مربوط به آن دوران نبود، بلکه او هنوز همان است. آمین! تا تمام مکان‌های دیگر پرستش به نابودی برده شود. این کاری است که عقاب ایام آخر انجام می‌دهد تا نشان دهد که بقیه‌ی آنها و تمام آن فرقه‌ها و آیین‌ها، جهالت و حماقت است. تا یک‌بار دیگر همان آیاتی را که او انجام می‌داد را اشاره کند. که او دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است. هلولیاه!

۱۱۰. همچنین در مکاشفه ۴: ۷، چهار حیوان را داریم که با آنها برخورد می‌کنیم.

می‌بینیم که اولین آنها یک شیر بود. اولین حیوانی بود که فرستاده شد تا با چالش‌های آن روز روبرو شود. شیر سبط یهودا.

بعد از او حیوان دوم می‌آید و می‌بینیم که حیوان دوم یک گوساله بود که یک حیوان متحمل است، یک قربانی. در ایام کلیسای جامع رومی (کاتدرال) <sup>۱۰</sup> کلیسا معدوم شد. قربانی.

بعدی یک انسان بود، حیوانی با صورت انسان. و انسان، اصلاح‌گران بودند، تعالیم انسانی و غیره.

اما آخرین حیوان پرواز می‌کرد. آخرین حیوانی که باید می‌آمد. کتاب مقدس گفت که یک عقاب پرنده بود. هلولیاه! و نبی گفت: "در این روز نور خواهد بود." اوه خدای من! «در آن ایام روشنی خواهد بود.»

۱۱۱. روزی از اصلاح گران بوده است. روزی که تنها یک سایه است و نمی‌توان آن را روز یا شب خواند، بلکه در زمان غروب. در زمان عقاب.

در زمان عقاب روشنی خواهد بود

مسیر جلال را خواهی یافت

امروز در آبراه روشنی است

در نام پربهای عیسی دفن شده

پیر و جوان از گناهان خویش توبه کنید

روح القدس شما را تعمید خواهد داد

زیرا که وقت غروب رسیده است

حقیقت این است که خدا و مسیح، یک هستند.

۱۱۲. آمین! در زمان غروب روشنی خواهد بود. تنها مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش. او! پیغامی که احیا می‌شود چیست؟ او می‌خواهد چه بکند؟ و در ایام او باید در زمان غروب روشنایی باشد و (چه؟) تا پذیرای بازگشت فرزندان به خانه و سرزمین حقیقی وعده باشد. از طریق همان ستون آتشی که بنی اسرائیل را در بیابان هدایت می‌کرد.

عیسی مسیح، تنها مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش است. تنها مکانی که وجود دارد. این تنها نامی است که خدا برای نجات دارد. این چیزی است که خدا خانواده آسمانی را بدان نام نهاده است. زمانی که روی زمین است. عیسی مسیح!

۱۱۳. ای کلیسا! ای مردم! دوست گناهکارا! به هیچ چیز دیگری جز عیسی مسیح اطمینان نکنید. به هیچ واعظی اطمینان نکنید. برای نجات خویش، به هیچ کس دیگری اطمینان نکنید. به هیچ فرقه، آیین یا کلیسایی اطمینان نکنید، بلکه تنها به عیسی مسیح اطمینان کنید. چون او نور زمان است.

در زمان عقاب روشنی خواهد بود

مسیر جلال را خواهی یافت

امروز در آبراه روشنی است

در نام پریهای عیسی دفن شده

پیر و جوان از گناهان خویش توبه کنید

روح القدس شما را تعمید خواهد داد

زیرا که وقت غروب رسیده است

حقیقت این است که خدا و مسیح، یک هستند.

۱۱۴. اوه برادر! خواهر! اگر هنوز توبه نکرده‌اید و به نام عیسی مسیح تعمید نگرفته‌اید؛ آیا امشب شروع می‌کنید؟ آیا این فرصت را می‌دهید که پذیرای شما در

مکانی باشد که می‌توانید او را بپرستید؟ بخاطر داشته باشید، خارج از آنجا، هیچ جای دیگری نیست که خدا وعده داده باشد که شما را ملاقات کرده و پذیرای شما باشد.

۱۱۵. شما می‌گویید: "برادر برانهام! من خدا را صادقانه عبادت می‌کنم." قائن هم اینچنین بود. او نیز مثل هابیل قربانی و هدایا به خدا تقدیم می‌کرد. اما آن قربانی پسندیده نبود. شما شاید مثل هر مرد و زن دیگری صادقانه به کلیسا بروید. ده یک پردازید و هر کاری که یک مسیحی باید انجام دهد را انجام دهید.

سی سال است که اینجا و در این شهر ایستاده و همین پیغام را فریاد می‌زنم. روبه پیری هستم. زمان زیادی نمی‌توانم با شما باشم. اما بخاطر داشته باشید، صدای من ثبت شده و در روز داوری بر علیه شما صحبت خواهد نمود.

۱۱۶. تنها یک مکان وجود دارد که خدا نام خویش را در آن قرار می‌دهد، و آن یک کلیسا نیست. بلکه در عیسی. تنها یک مکان برای پرستش وجود دارد، تنها یک مکان که در آن پذیرفته می‌شوید و آن در عیسی مسیح است. «اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم.» هیچ کلیسا، هیچ آیین یا هیچ چیز دیگری. تنها در عیسی مسیح.

و این باید پیغام زمان باشد، «بازگرداندن قلب فرزندان به ایمانی که یک بار به مقدّسین سپرده شد.» شما امشب این را نخواهید پذیرفت؟

هنگامی که سرهای خود را برای دعا خم نموده‌ایم.

۱۱۷. آنانی که می‌خواهند در دعا به یاد آورده شوند، ممکن است دست خود را بلند کنید؟ نمی‌توانیم تک تک صدا کنیم چون تعداد زیاد است. خدا به شما برکت بدهد. فکر کنم در سمت چپ من سیصد نفر باشند.

۱۱۸. حال در سمت راست، دست خود را بلند کنید و بگویید: "می‌خواهم به یاد آورده شوم." فکر کنم صد و پنجاه نفر یا بیشتر باشند.

ما اینجا یک خیمه داریم با یک استخر بزرگ، یک شبان خوب، برادر آرمان نویل<sup>۱۱</sup> و گروه او، افرادی که شما می‌توانید این اطراف آنها را ببینید. هر روز، هر شب، هر ساعت، در انتظار مردمی هستند که توبه کرده‌اند و می‌خواهند که تعمید بگیرند و اگر شما از آن فرامین اطاعت خواهید نمود. اگر در قلب خود صادق هستید که تعمید روح القدس را بیابید، با وعده‌ی روح القدس اطمینان خواهید یافت.

۱۱۹. تنها یک مکان پرستش وجود دارد. آن مکان در خیمه نیست، بلکه در مسیح. چگونه به او وارد شویم؟ «توسط روح القدس همه در یک بدن تعمید یافته‌ایم.»

دعا کنیم.

۱۲۰. خداوند عزیز! همان‌طور که این دست‌ها به سمت تو بلند شده است، به این معنی است که زیر این دست‌ها و در قلب‌هایشان اطمینان دارند که به کمک تو نیاز دارند. برای تکاتک آنها دعا می‌کنم. ای پدر! می‌خواهم که کلام تو را نقل قول کنم. تو گفتی: "هر کس کلام من را بشنود و به او که فرستاده‌ام ایمان بیاورد، حیات جاوید یافته است و به داوری نخواهد آمد. بلکه از موت به حیات منتقل شده است."

پدر، ظرف چند هفته وقتی به شهر برگشتم و حال سایرین را پرسیدم و گفتم "این چطور؟"

"چرا آنها مرده‌اند؟"

"خوب، چطور..."

"آنها مرده‌اند."

۱۲۱. خداوند عزیز! یکایک ما خوانده شده‌ایم، یکایک ما باید در وادی سایه‌ی موت گام برداریم و این برای همه‌ی ماست، چراکه فانی هستیم. اما، امشب تو درخواست خود را به ما ارائه دادی، که اگر به او ایمان آورده و در نام او تعمید گیریم، ما را به داخل می‌بری. بعد در این بدن، بدن عیسی مسیح، نه در کلیسا، بلکه بدن عیسی مسیح. آن بدن هم اکنون داوری شده است. این بدن به داوری نخواهد آمد. خدا غضب خویش را بر آن بدن فرو ریخت، و آن بدن از گناه آزاد است. بودن در او ما را از گناهان آزاد می‌سازد. با این کفاره که او بخاطر ما مرد و در آنجا با یکدیگر رفاقت داریم. مادامی که خون عیسی مسیح، پسر خدا، ما را از گناه و ناپاکی میرا می‌سازد.

۱۲۲. پدر! ای خداوند! دعا می‌کنم که هر کدام از آنها را به پادشاهی خود ببری. عطا کن خداوند! حتی یک نفر از آنها، مرد و زن، پسر و دختر، گم نشود. خداوند! بعضی از اقوام من که خارج از پوشش خون مسیح هستند، اینجا نشسته‌اند. چقدر خوب می‌توانم حرف‌های پدرم را بخاطر بیاورم! و دعا کنم که، خداوند عزیز! هیچ یک از آنها گم نشوند. حال با تمام ایمانی که می‌توانم داشته باشم، به تو ایمان دارم.

۱۲۳. در بین دوستان و برادران و خواهرانم که امشب در این مکان هستند بخرام ای خداوند! و آنهایی را که خارج از اینجا و توسط تلفن صدای ما را می‌شنوند. هفت ایالت مختلف به ما گوش می‌دهند، از شرق تا غرب. دعا می‌کنم ای خداوند! که در تمام صحرا در توکسان،<sup>۱۲</sup> در کالیفرنیا،<sup>۱۳</sup> در نوادا<sup>۱۴</sup> و آیداهو،<sup>۱۵</sup> در شرق و تگزاس.<sup>۱۶</sup> جایی که این دعوت داده شده است. مردم در خانه‌ها و کلیساها می‌نشینند و به ما گوش می‌دهند. اوه خداوند! هر مرد و زن، پسر و دختر گم شده‌ای به سوی تو بیاید. اکنون عطا کن ای خداوند! به نام عیسی می‌خواهیم که همه‌ی آنها تا زمانی که وقت هست، این مکان ایمن را بیابند.

زمانی که دست نوشته را بر روی دیوار می‌بینیم، دنیا متشنج می‌شود و زمان رستگاری نزدیک است. بخشی از کشور ما در حال غرق شدن است. بخشی دیگر توسط زلزله‌ها از هم می‌پاشد. درست به همان صورت که عیسی وعده داد. اجازه نده که زمان نجات آنها خیلی طولانی باشد ای خداوند! خداوند! الآن نجات تو را بپذیرند و ما بتوانیم آنها را به نشانه‌ی پیروزی انجیل تو در این جلسه به تو تقدیم کنیم. به نام عیسی. آمین!

۱۲۴. آیا به او ایمان دارید؟ خدا به شما برکت بدهد. در سمت چپ من، چند نفر به این حقیقت ایمان دارند؟ دست خود را بلند کنید. در سمت راست من چند نفر، دست خود را بلند کنید. خدا به شما برکت بدهد. تا جایی که می‌بینم همه ایمان دارند. این حقیقت است دوستان، خدا می‌داند که حقیقت است.

---

Tucson<sup>۱۲</sup>  
California<sup>۱۳</sup>  
Nevada<sup>۱۴</sup>  
Idaho<sup>۱۵</sup>  
Texas<sup>۱۶</sup>



۱۲۵. حال در صورتی که در او، و در او باشید، به هر چیزی که او بخاطر آن مرد دسترسی دارید؛ و او برای چه مرد؟ «به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و تادیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم.» آیا به این ایمان دارید؟ آیا الآن به کفاره‌ی او برای شما ایمان دارید؟

۱۲۶. آیا در بین ما شخص بیماری وجود دارد؟ دست خود را در چپ و راست بلند کنید. تعداد بیماران زیاد است. نمی‌توانم صف دعا را تشکیل دهم. می‌دانید... نمی‌توانید به بالای جایگاه بیایید. راهی برای این کار نیست. جلسات دعا برای بیماران در جاهای دیگر، کلیساها و در خیمه در حال برگزاری است.

می‌خواهم از شما چیزی پرسم. چند نفر ایمان دار در اینجا هستند؟ دست خود را بلند کنید. بسیار خوب. می‌خواهم برای شما چیزی را از کلام، که مسیح است. آخرین ماموریت مسیح به دنیا و به کلیسا را نقل قول کنم. او گفت: "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود. هرگاه دست‌ها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت." چند نفر می‌دانند که این وعده در مرقس باب ۱۶ حقیقت است. بگویید آمین. [جماعت می‌گویند: "آمین!"] بسیار خوب. از شما می‌خواهم که بعنوان ایماندار، دست بر شخصی که جلوی شماست بگذارید و الآن هرکس برای دیگری دعا کند. دست خود را بر کسی که کنار شماست بگذارید.

۱۲۷. خداوند! اینجا و در برابر من، جعبه‌ای از دستمال‌ها و وسایل کوچک قرار دارد. بعضی از مادر بزرگان در جاهایی رو به مرگ هستند. یک کودک رو به مرگ است و بیماران در هر جا هستند. در کتاب مقدس خوانده‌ایم که مردم دستمال و... از بدن پولس گرفته و آنها را بر بیماران قرار می‌دادند و ارواح شریر و ناپاک و بیماری و

زخم از مردم جدا می‌شد. حال خداوند! ما پولس رسول نیستیم. اما می‌دانیم که تو هنوز عیسی هستی. مکان مهیا شده‌ی خدا برای پرستش. و حال امروز، این مردم همان ایمان را اعتراف کرده‌اند، و همان‌گونه که آن مردم ایمان داشتند، ایمان دارند. مطمئناً تو برای آنها راهی مهیا نموده‌ای. دست خود را بر این دستمال‌ها قرار داده و می‌خواهم که بیماری و رنج، بدن آنها را ترک کرده و آنها در عیسی مسیح قرار گیرند.

۱۲۸. ما آموخته‌ایم هنگامی که اسرائیل از مصر خارج شد، دریای سرخ در مسیر آنها به سوی سرزمین وعده قرار داشت؛ و خدا از ستون آتش به پایین نظر کرد. دریا ترسان گشته، به عقب رفت و اسرائیل مجال یافت تا به سرزمین وعده عبور کند. اوه خداوند! امشب از طریق خون عیسی به پایین نظر کن، و بیماری به عقب رفته، شیطان اخراج شود و تمام این افراد به وعده‌ی سلامتی و نیکویی تو داخل شوند. که خدا گفت: "بالا تر از هر چیز، در سلامتی کامیاب می‌شوید."

۱۲۹. حال خداوند عیسی! همان‌طور که می‌بینی، دست‌های هر یک از این افراد بر دیگری قرار گرفته است. آنها در حال نشان دادن ایمانشان هستند که گفتی: "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود." آنها به روش خود برای یکدیگر دعا می‌کنند.

۱۳۰. حال خداوند! این چالش، دیده شده است که شیطان، دروغگوی بزرگ، حق ننگه داشتن یک نفر از فرزندان خدا را ندارد. او یک مغلوب است. عیسی مسیح، تنها مکان پرستش، تنها نام حقیقی، او را در جلجتا مغلوب نمود و ما الآن خون او را مطالبه می‌کنیم که هر بیماری و زخمی را مغلوب سازد و شیطان را نهیب می‌زنم که این جماعت را ترک کند. به نام عیسی مسیح از این مردم خارج شو و آنها آزاد شوند.

۱۳۱. هر کس که شفای خود را بر اساس کلام مکتوب شده می‌پذیرد، با این شهادت سرپا بایستد که «حال من به نام عیسی مسیح شفای خود را می‌پذیرم.» سرپا بایستید.

ایمان من به تو می‌نگرد

به تو برّهی جلجتا

ای منجی الهی

دعای من را بشنو

گناهانم را از من دور کن

بگذار تا از امروز

کاملاً از آن تو باشم

(دست خود را بلند کرده و این سرود را با هم بخوانیم)

ایمان من به تو می‌نگرد

به تو برّهی جلجتا

ای منجی الهی

دعای من را بشنو

گناهانم را از من دور کن

بگذار تا از امروز

کاملاً از آن تو باشم

(سر خود را خم کنیم در حالی که این سرود را زمزمه می‌کنیم)

وقتی در تاریکی و پیچ و خم زندگی گام بر می‌دارم

و غم من را احاطه می‌کند

تاریکی را به روز تبدیل کن

هر اشک و غم را بزدا

و نگذار تا هرگز سرگردان شوم از کنار تو

در حالی که سرهای خود را برای دعا خم نموده‌ایم.

شبان عزیز ما، برادر ارمان نویل، با دعای خود جمعیت را بدرقه می‌نماید.